

تدوین کدها و شاخص‌های اخلاق سیاسی مبتنی بر فرهنگ ایرانی با کاوش در مکاتب مختلف نظری

پریسا بهلولی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۰

محبوبه پاک‌نیا<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲

بیژن نیری<sup>۳</sup>

حجت اله درویش پور<sup>۴</sup>

### چکیده

با توجه به حساسیت عرصه سیاست‌ورزی در مقایسه با دیگر عرصه‌ها به علت تأثیر مستقیم آن بر روابط قدرت در ساختار سیاسی و به تبع آن زندگی همه افراد جامعه، معرفی کدهای اخلاق سیاسی، در سه سطح فردی، اجتماعی و بین‌المللی مهم و ضروری است. در این پژوهش برای دست‌یافتن به این کدها و شاخص‌ها از تکنیک تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. متون مورد تحلیل شامل نظریه‌های اخلاق سیاسی مکاتب ایرانی - اسلامی و غربی است.

پس از استخراج، مجموعه کدها در مؤلفه‌های صداقت، مردم‌سالاری، دینداری، قانون‌گرایی و پاسخگویی، مدارا و انتقادپذیری، عدالت‌محوری، رازداری، تعهد به حقوق بشر و اخلاق سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی دسته‌بندی شدند. معرفی این کدها در دنیای سیاست می‌تواند به جامعه‌پذیری و درونی‌کردن ارزش‌هایی منتهی شود که از ظهور چالش‌ها، تعارضات و درگیری‌های اجتماعی، پیشگیری کرده و با انتشار ارزش‌های انسانی در میان اعضای جامعه، وفاق و همبستگی اجتماعی را در سطح ملی افزایش دهد و امیدواری جامعه جهانی را به داشتن جهانی با صلحی پایدارتر، جامعه‌ای با فقر کمتر و رفاه بیشتر افزون‌تر سازد و وجدان‌های بشری را برای این امور حساس‌تر سازد. با این همه، کدهای معرفی شده همچنان در بوته نقد قرار خواهد داشت تا با غنای آن راه پیموده شده به مقصد رسد.

**کلید واژگان:** اخلاق، اخلاق سیاسی، کدهای اخلاقی، مکاتب اخلاقی، جامعه‌پذیری

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای تخصصی علوم سیاسی - جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد مشاور)

<sup>۴</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد مشاور)

اخلاق به عنوان مفاهیم درست و نادرست، خوب و بد و خیر و شر، فضیلت‌های مورد پذیرش عموم و برخاسته از شرع، عرف، تاریخ و عقل است (کاظمی، ۱۳۷۷، ۷۲). از دیدگاه ابن مسکویه و فیض کاشانی، خلق حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند بی‌آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد (ابن مسکویه، ۱۳۸۱، ۵۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱۴).

اهمیت درونی‌سازی اخلاق به عنوان مجموعه قواعد و هنجارهای مهارکننده و راهنمای کردار انسان، ریشه در آن دارد که هیچ نهاد، حرفه و قلمرویی نیست که قادر باشد فارغ از اخلاق به حیات مشروع خود ادامه دهد. اخلاق از مطلع اندیشه سیاسی در عصر باستان تا به امروز، همگام با سیاست در حرکت و تکامل بوده است (کاظمی، ۱۳۷۷، ۱۴-۱۳). با توجه به حساسیت سیاست‌ورزی در مقایسه با دیگر عرصه‌ها به علت تأثیر مستقیم آن بر شیوه حکمرانی و به تبع آن زندگی افراد جامعه، معرفی کدهای اخلاق سیاسی، مهم و ضروری است. میزان و کیفیت اهمیت این معرفی و تبیین آن، به تعریف ما از فعل سیاسی در سطوح مختلف بستگی دارد:

- برخی همانند ارسطو، فیض کاشانی، شریعتی و کندی نقطه آغاز فعل سیاست را در روابط خرد روزمره می‌دانند. ارسطو، سیاست را به عنوان اشرف علوم تعریف می‌کند که سعادت بشر را به عنوان خیر برین و راهنمای رسیدن به آن را آموزش می‌دهد (۱۲۰-۱۱۳، ۱۹۵۸، Rosenthal EIJ). فیض کاشانی نیز سیاست را تربیت انسان‌ها در جهت رسیدن به صلاحیت کمالی آن‌ها و تدبیر و کشاندن آن به طریق خیر و سعادت می‌داند (فیض کاشانی، ۱۳۵۸، ۳۴۰). شریعتی نیز سیاست را به معنای خودآگاهی انسان نسبت به محیط و جامعه و سرنوشت مشترک خود و جامعه‌ای می‌داند که در آن زندگی می‌کند و به آن وابسته است (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ۲۱). کندی نیز سیاست را نوعی مصلحت‌اندیشی و گزینش خطای کمتر می‌داند. در واقع سیاست عرصه‌ای است که پیوسته انسان باید بین دو خطا، کوچک‌ترین را انتخاب کند (کندی، ۱۳۴۰، ۲۱).

در این سطح تبیین کدهای اخلاق سیاسی از آن جهت اهمیت دارد که «جامعه هدف سیاست» در سطوح میانی و بالاتر چه در عرصه تصمیم‌گیری و چه پذیرش آن را افراد جامعه تشکیل می‌دهند و چنانچه افراد در روابط فردی خود با دیگران به رعایت محدوده‌ها و مرزهای اخلاقی پایبند نباشند، نمی‌توان به تشکیل ساختارهای سیاسی اخلاق مدار در دیگر سطوح امید بست.

- برخی همانند فارابی، کسروی، طالبوف، میرزا ملکم‌خان، امام خمینی، علامه جعفری و بشیریه نقطه آغاز سیاست را سطوح میانی و کلان، یعنی جامعه تلقی می‌کنند. فارابی هدف اساسی سیاست و اخلاق را خیر و سعادت انسان معرفی می‌کند. وی راه ایجاد فضیلت در وجود انسان را رواج پیوسته افعال و سنن فاضله در شهرها و میان ملت‌ها و کاربست همگان به صورت مشترک به واسطه تشکیل حکومتی عادل می‌داند که مورد قبول مردم واقع شود و خوی فرمانبرداری را در آنان پایدار سازد (فارابی، ۱۳۶۴، ۱۰۶-۱۰۸). از دیدگاه کسروی «مجموعه اقدامات و دوراندیشی‌هایی که موجب بقای یک ملت در صحنه نزاع بین‌المللی می‌شود، سیاست است» (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ۱۸). در تعریفی دیگر، طالبوف، سیاست را به معنای ایجاد عدالت اجتماعی و برقراری قانون به منظور مبارزه با

عقب‌ماندگی می‌داند (طالبوف، ۱۳۱۹، ۱۸). میرزاملکم‌خان، سیاست را اداره کشور در بستر حکومت‌کردن و فرمان‌دادن معرفی می‌کند (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ۱۹). امام خمینی (ره) معتقد است سیاست با در نظر گرفتن تمام مصالح جامعه و ابعاد انسان، جامعه را به طرف چیزی که صلاحشان هست، هدایت می‌کند (رفیع و حلال‌خور، ۱۳۹۰، ۱۲۱-۱۰۳). علامه جعفری سیاست را اصول و قوانینی عالی می‌داند که در عین حال که مجموعه افراد اجتماع را رهبری می‌کند، وظیفه افراد را از جنبه‌های اخلاقی و درونی مشخص می‌نماید. به اعتقاد وی در چنین صورتی اخلاق تابعی از سیاست خواهد بود (جعفری، ۱۳۶۴، ۴۳۸). بشیریه نیز مفهوم سیاست را اخذ تصمیم و اجرای آن برای کل جامعه می‌داند (بشیریه، ۱۳۸۰، ۲۶).

در این پنجره تحلیلی، تعاملات بین مردم و حاکمیت در اخلاق سیاسی اهمیت پیدا می‌کند. از منظری «مردم، به دولتمردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۶). در نتیجه وقتی اخلاق سیاسی در سطح جامعه بهتر تبیین شود هم در تربیت حکمرانان شایسته و هم در میزان آگاهی عمومی و سطح انتظارات مردم از حاکمیت مؤثر واقع خواهد شد.

اما می‌توان اخلاق سیاسی را در سطحی بالاتر و در مجموعه روابط بین‌المللی نیز مد نظر قرار داد. جهانی‌شدن، تسریع و تسهیل ارتباطات و گره‌خوردن زندگی انسان‌ها در اقصای نقاط به همدیگر ضرورت این رویکرد را صدافزون کرده است. در این سطح، اخلاق سیاسی بیشتر در قالب مفاهیمی چون حقوق بشر، مقوله جنگ و صلح و مسائل جهانی مانند مسائل زیست‌محیطی قابل طرح است. با این همه در رسیدن به توافق بر سر مسائل اخلاق سیاسی در این سطح هنوز شکاف عمیقی وجود دارد. اهمیت معرفی کدهای اخلاق سیاسی در این سطح می‌تواند امیدواری جامعه جهانی را به داشتن جهانی با صلحی پایدارتر، زیستگاهی با آلودگی کمتر و جامعه‌ای با فقر کمتر و رفاه بیشتر افزون‌تر سازد و وجدان‌های بشری را برای این امور حساس‌تر سازد.

در تعاریف، گاه اندیشمندان دو مفهوم اخلاق و سیاست را با یکدیگر سازگار می‌پندارند و گاه ناسازگار. برخی اخلاق را بر سیاست بار می‌کنند و برخی دیگر سیاست را بر اخلاق (خراسانی، ۱۳۸۳، ۶۲). برخی اخلاق سیاسی را اخلاقی‌کردن سیاست یا تنظیم روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... بر پایه اخلاق و عدالت دانسته‌اند (رنجبر، ۱۳۸۱، ۱۴). در حالت کلی اخلاق سیاسی مجموعه‌ای از قواعد است که وجدان‌های پاک و آزاد انسانی به حسن یا لزوم رعایت آن در فعالیت‌های سیاسی حکم می‌کنند و شایسته می‌دانند همه بازیگران و فعالان سیاسی (چه در سطح فردی و اجتماعی و چه سطح ملی و بین‌المللی)، در رقابت‌ها و تعاملات میان خود به منظور حفظ مصالح و منافع با الزام قانونی و حقوقی مشترک بدان عمل کنند، البته در صورت نقض این قواعد، هیچ مجازاتی جز فشار افکار عمومی، به خطراتادن مصالح و کاهش کرامت و اعتبار نقض‌کننده تحمیل نمی‌شود (نظامی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۹).

توفیق اخلاق و سیاست در گرو توفیق یکدیگر است. اخلاق با ایجاد روحیه متعالی و ارزشمند در عرصه سیاست، از ظهور چالش‌ها، تعارضات و درگیری‌های اجتماعی، پیشگیری کرده و با انتشار ارزش‌های انسانی در میان اعضای جامعه، وفاق و همبستگی اجتماعی را افزایش می‌دهد (خراسانی، ۱۳۸۳، ۱۵). در همین راستا چه سیاست‌ورزی

را از رده مشاغل در نظر بگیریم و چه آن را حوزه‌ای بدانیم که همه انسان‌ها به تناسب مسئولیت و نقش‌های چندگانه زندگی، هم بر آن تأثیر می‌گذارند و هم از آن تأثیر می‌گیرند، لازم است کدهای ویژه اخلاقی این حوزه معرفی گردد. درباره اخلاق سیاسی تاکنون کد و شاخصی از سوی نهادهای علمی یا سیاسی معرفی نشده است. به احتمال یکی از دلایل اینکار دشواری توافق بر سر این کدها است، چراکه این کدها وابسته به رویکردهای نظری هستند. در این میان سه رویکرد قابل تشخیص است: ۱- رویکرد خودبستگی انسان: این رویکرد منشأ اصول اخلاقی را تلقیات خود انسان می‌داند و منابع فرانسائی مانند دین را در اقتباس کدهای اخلاقی سوگیرانه تلقی می‌کند؛ ۲- رویکرد دین‌گرایی: این رویکرد نیز منشأ اصول اخلاقی را نه خود انسان، بلکه مأخوذ از آموزه‌های دینی می‌داند. بسیاری از ادیان بر کدهای اخلاقی استوار هستند. برای مثال اساس دین زرتشت بر سه کد اخلاقی استوار شده است: پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک. دین یهود با ده فرمان حضرت موسی شناخته می‌شود که بر کدهای اخلاقی تأکید دارد. در دین اسلام نیز مبعوث‌شدن پیامبر بر تکمیل مکارم اخلاقی استوار شده بود؛ ۳- رویکرد تلفیقی: این رویکرد در اقتباس کدهای اخلاقی هم بر آموزه‌های دینی و هم آموزه‌های اومانیستی (انسان‌گرایی) تأکید دارند.

در این پژوهش از رویکرد تلفیقی استفاده شده است؛ با این همه توافق درباره این کدها و تلفیق آن‌ها کار چندان ساده‌ای نیست. آنچه در این پژوهش معرفی می‌شود، کوششی اولیه است که می‌تواند در بوته نقد و ارزیابی قرار بگیرد و مسیر را برای تدوین کدهای دقیق‌تر هموار سازد. اعمال مفاهیم کدهای اخلاقی<sup>۲</sup> با رشد و حصول دستاوردهای نظری و عملی زیر همراه است:

- نشر و اشاعه فرهنگ اخلاق سیاسی.
- انتقال یافته‌ها به نسل‌های بعدی.
- مرئی‌ساختن اصول ارزشی و فرهنگی اخلاق سیاسی در شئون مختلف زندگی.
- تدوین ضوابط اخلاق سیاسی به عنوان اهرمی توانمند در راستای کمک به سیاست‌ورزان برای حل مسائل اخلاقی و پیشگیری از بروز رفتارهای غیر اخلاقی.
- بر این اساس سؤال محوری این پژوهش آن است که با کاوش در مکاتب مختلف نظری به کدام کدها و شاخص‌های اخلاق سیاسی می‌توان دست یافت.

### مبانی نظری

نظریات اخلاقی را به طور کلی می‌توان در سه مقوله «نتیجه‌گرایانه»، «وظیفه‌گرایانه» و «فضیلت‌گرایانه» دسته‌بندی کرد.

### نظریه‌های اخلاقی نتیجه‌گرا

نتیجه‌گرایان، فعلی را اخلاقی می‌دانند که بیشترین فایده و بهترین نتیجه را برای بیشترین افراد و کمترین هزینه را برای کمترین افراد داشته باشد. آن‌ها اخلاق را ذیل بنیاد و غایتی توجیه و تفسیر می‌کنند. قطع نظر از غایت‌گرایی‌های

سودگرایانه و کاسب‌کارانه و البته بدون مبنای هستی‌شناختی موجه، بسیاری از حکیمان یونانی و مسلمان، اخلاق را ذیل مبنا و وجودی مطلق و غایتی متعالی تعریف می‌کنند. این بنیان نظری می‌تواند پایه موجهی برای تکلیف‌گرایی رقم زند، پایه‌ای که می‌تواند ما را از شکاف‌های ناموجه و نامعقول میان ساحت‌های شناختی، هنجاری و عملی همانند ثنویت و جدایی «حکمت عملی» از «حکمت نظری» بازدارد. افلاطون چهار صفت حکمت، شجاعت، اعتدال و عدالت را در مجموع، سازنده فضیلت انسانی می‌داند و انسانی را که واجد این چهار صفت باشد، به تمام معنی خوب می‌داند (فاستر، ۱۳۷۶، ۴۴).

### نظریه‌های اخلاقی وظیفه‌گرا

وظیفه‌گرایان ضمن تمایز «امر خوب» از «امر اخلاقی»، تنها فعلی را دارای ارزش اخلاقی و نه فقط خوب می‌دانند که انجام عمل خوب را تنها و تنها به خاطر نفس عمل و نه نتیجه آن معطوف نماید. از میان فیلسوفان شناخته‌شده، موضع و منش اخلاقی سقراط و کانت بیشتر به رویکرد وظیفه‌گرایانه نزدیک است. سقراط در محاوره تاریخی با کرایتون، بر ارجحیت عقیده و داوری خردمندان در اموری مانند عدل و ظلم، زشت و زیبا و خوب و بد، برتری خوب زندگی کردن بر صرف زنده‌بودن، انجام کارها از سر آگاهی، مطلق‌بودن خطا و مقیدنکردنش به شرایط، دوری‌ورزیدن انسان از کار ناصواب در هر شرایطی، پرهیز از مقابله با ظالم از راه‌های ظالمانه، وفا به عهد، خودداری از نقض پیمان و لزوم احترام به قانون، پای فشرد (plato, ۱۹۶۹, ۸۴-۹۶).

### نظریه‌های اخلاقی فضیلت‌گرا

اخلاق فضیلت اولین نوع از اخلاق هنجاری است. این نحله از اخلاق، برخلاف نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی اخلاقی، درستی و نادرستی اعمال را نه بر نتایج و پیامدهای آن‌ها و نه بر قواعد و ذات خود اعمال، بلکه بر شخصیت فاعل اخلاقی<sup>۵</sup> استوار می‌کند (Christie, ۲۰۰۸, ۵۶). اخلاق فضیلت‌گرا، به لحاظ تاریخی با ارسطو آغاز می‌شود، اما مختص وی نیست. فضایل اخلاق مورد تأکید این نحله اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم با کتاب در پی فضیلت مک‌اینتایر احیا و به وسیله فیلسوفانی دیگر به پیش رفت (دباغ، ۱۳۸۸، ۱۹۳). مفاهیم کلیدی و مرتبط با این سنت فکری، نظیر آرته<sup>۶</sup> (فضل یا فضیلت)، فرونسیس<sup>۷</sup> (حکمت عملی یا اخلاقی) و ایودایمونیا<sup>۸</sup> (سعادت) از فلسفه یونان باستان مشتق می‌شود (هولمز، ۱۳۸۵، ۸۰).

### جدول (۱) ویژگی‌های اصلی نحله‌های اخلاقی

نحله‌های اخلاقی	نظریه‌پردازان اصلی	پایه‌ها و مبانی اولیه	مفاهیم کلیدی نظریه
غایت‌گرایی	افلاطون، ارسطو	نتیجه و هدف عمل	فایده، نتیجه، هزینه، هدف،
وظیفه‌گرایی	سقراط، کانت	خوب‌بودن ذات عمل	«امر مطلق»، «اراده نیک»، «خودآیینی»، تکلیف، عقل بشری

فصلیت‌گرایی	ارسطو، مک‌ایتتایر، الیزابت آنکسوم، مایکل اسلات، آیریس مرداک و اندیشمندان مکتب فرانکفورت	شخصیت فاعل اخلاقی	ویرتو (فضیلت)، آرته (وظیفه)، فرونسیس (حکمت عملی) و ایودایمونیا (سعادت)
-------------	--	----------------------	--

### نظریه‌های رابطه اخلاق و سیاست

نظریه‌های رابطه اخلاق و سیاست به عنوان یکی از اساسی‌ترین مسائل فلسفه اخلاق، را می‌توان به پنج دیدگاه رایج دسته‌بندی نمود:

#### ۱- جدایی اخلاق از سیاست

برخی با اشاره به گریزناپذیری بدنامی و آلودگی به عنوان اقتضائات سیاست استدلال می‌کنند که با توجه به تفاوت‌های بنیادین میان این دو حوزه، ورود اخلاق به عرصه سیاست موجب ناکامی سیاست می‌شود، در نتیجه باید میان قواعد اخلاقی و الزامات سیاست تفاوت قائل شد و بر اساس واقعیت و یا در نظر گرفتن منافع و مصالح، به اقدام سیاسی دست زد. بر اساس این دیدگاه که گاه «واقع‌گرایی سیاسی» نیز نامیده می‌شود، اخلاق، اصالت یا سازندگی ندارد و یا سیاست منفی بوده و تعالی‌بخش نمی‌باشد، زیرا مدار اخلاق، «حق و حقیقت» است، حال آنکه غرض سیاست، «منفعت و مصلحت» می‌باشد. ماکیاوولی از سردمداران این نظریه نه‌تنها بر دوگانگی اخلاق و سیاست اصرار می‌ورزد، بلکه به حاکم یا شه‌ریار توصیه می‌کند که برای تحکیم قدرت خویش هر محذور اخلاقی را زیر پا بگذارد (ماکیاوولی، ۱۳۶۶، ۱۱۷).

#### ۲- تبعیت اخلاق از سیاست

به این دیدگاه که در آن اخلاق شاخه‌ای از سیاست است، نظریه «اخلاق اقتدارگرا» نیز اطلاق می‌شود. معتقدان به این نظریه اصالتی برای اخلاق قائل نبوده و آن را تابعی از سیاست می‌دانند. به عبارت دیگر اخلاق تابع بی‌قید و شرط سیاست بوده و با کسب ارزش از آن، به وسیله آن نیز توجیه می‌شود. حال آنکه خود سیاست به توجیه اخلاقی نیاز ندارد و در حقیقت عمل سیاسی همان عمل اخلاقی است (مسعودی و ساداتی‌زاده، ۱۳۹۴، ۹۳).

#### ۳- اخلاق دو سطحی

این نظریه به عنوان کوششی برای حفظ ارزش‌های اخلاقی و پذیرش پاره‌ای از اصول اخلاقی در سیاست، اخلاق را در دو سطح اخلاق فردی<sup>۹</sup> و اجتماعی<sup>۱۰</sup> بررسی می‌کند، در نتیجه لزوماً آنچه در سطح فردی اخلاقی است، نمی‌تواند در سطح اجتماعی نیز اخلاقی دانسته شود (خرم‌شاد و سوری، ۱۳۹۸، ۶۰). با توجه به این دیدگاه، برخی امور، اخلاقی بوده و سیاسی نمی‌باشد و در برابر نیز برخی امور، سیاسی بوده و اخلاقی نیست. در بیان رابطه اخلاق فردی و اجتماعی گروهی به متعارض بودن آن‌ها اعتقاد دارند، به طوری که حیطه اخلاق فردی را، اخلاق مهرورزانه می‌دانند و حیطه اخلاق اجتماعی را، اخلاق هدفدار و نتیجه‌گرا<sup>۱۱</sup> می‌پندارند. نتیجه چنین

رهیافتی، پذیرش دو سیستم اخلاقی مجزاست. انسان به عنوان فرد تابع یک سیستم اخلاقی است. حال آنکه نظام اجتماعی، سیستم اخلاقی دیگری دارد. اصول این دو اخلاق نیز می‌توانند با یک دیگر متعارض باشند (افلاطون، ۱۳۸۴، ۱۵۲-۱۵۱). در مقابل، عده‌ای هر دو اخلاق و سیاست را لازم و ملزوم هم می‌دانند، یعنی قوانین اخلاقی از یک طرف، امتیاز بین اهداف خوب و بد را مشخص می‌کند و از طرف دیگر فرق بین وسائل مشروع و نامشروع را در جهت نیل به هدف‌ها مشخص می‌نماید. «بدون اخلاق اجتماعی، اجتماعات نابود می‌گردند و بدون اخلاق فردی، بقای اجتماعی ارزشی ندارد. بنابراین برای یک دنیای خوب، هر دو اخلاق فردی و اجتماعی لازمند» (راسل، ۱۳۵۵، ۵۳-۲۰).

۴- **یگانگی اخلاق و سیاست:** بر اساس این رویکرد، مرز قاطعی میان اخلاق و سیاست وجود ندارد و این دو با هدف مشترک تأمین سعادت بشری نمی‌توانند نقض‌کننده یکدیگر باشند، در نتیجه تنها یک سیستم اخلاقی در دو عرصه زندگی فردی و اجتماعی معتبر است و هر آنچه در سطح فردی، اخلاقی است، در سطح اجتماعی و سیاسی و برای دولتمردان هم اخلاقی است و هر آنچه برای یکایک شهروندان غیر اخلاقی است، برای حاکمیت نیز غیر اخلاقی به شمار می‌رود. طبق این نظریه، اخلاق، «سیاست فردی» و سیاست، «اخلاق جمعی» است. اخلاق و سیاست هر دو از شاخه‌های حکمت عملی و در پی تأمین سعادت انسان هستند، به طوری که حامیان این نظریه، معتقدند سیاست، فنی است که به تحقق زندگی اخلاقی می‌پردازد (دو فوشه‌کور، ۱۳۷۷، ۱۱۳).

۵- **تبعیت سیاست از اخلاق:** قائلان به این نظریه معتقدند با یک بازنگری در تعریف سیاست، می‌توان اخلاق را در کانون سیاست جای داد. از این رو سیاستی که بر محور اخلاق سروسامان می‌یابد «سیاست اخلاقی» نام دارد (وحیدی‌منش، ۱۳۸۷). به باور آن‌ها هدف اخلاق‌گرایی این است که هر انسانی به یک انسان بهتر تبدیل شود. «خوب» که توسط اخلاق‌گرایان توصیه می‌شود، خیر جهانی است، نه فقط خیر عمومی. بنابراین سیاست‌های کلی باید مبنای اخلاقی داشته باشند، زیرا اقتدار اخلاق بالاتر از سیاست است.

#### روش تحقیق

متداول‌ترین روش در دستیابی کدهای اخلاقی روش گرانند تئوری، فن دیمتل، تکنیک دلفی و تحلیل محتوا است که این کار در مصاحبه با خبرگان و مرتبطین به آن و یا تحلیل متون نظری حاصل می‌شود. در این پژوهش از تکنیک تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. متون مورد استفاده برای استخراج‌های کدهای اخلاق سیاسی شامل نظریه‌های اخلاقی و اخلاق سیاسی مکاتب مختلف شامل مکاتب ایرانی - اسلامی و مکاتب غربی است.

این پژوهش با تکنیک تحلیل محتوا<sup>۱۲</sup> با تکیه بر تحلیل کیفی نظریه‌های مختلف اخلاق سیاسی صورت گرفته است. تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است که برای بررسی و تبیین کلمات، مفاهیم، واژه‌ها، مضامین، عبارات و جملات خاصی از درون یک متن یا مجموعه‌ای از متون مورد استفاده قرار می‌گیرد (Krippendorff, ۲۰۱۲، ۲۹-۳۰).

روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند و یا نمونه‌گیری نظری است (Strauss and Corbin, ۱۹۹۸). در این روش نمونه‌گیری که خواست تحقیقات کیفی است، حجم نمونه به اشباع نظری سؤالات مورد

بررسی بستگی دارد. به این ترتیب که هرگاه محقق به این نتیجه رسید که کدهای استخراجی به اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که منجر به تکراری شدن کدها شده و داده‌های جدیدی در آن‌ها وجود ندارد، تحلیل را کافی دانسته و دست از تحلیل می‌کشد. این مرحله از گردآوری داده‌ها را اشباع نظری می‌خوانند.

#### یافته‌ها

با بررسی مکاتب مختلف نظری کدهای مختلفی استخراج شد که این کدها در مؤلفه‌های مختلف دسته‌بندی شدند که در زیر به بررسی آن‌ها و منشأ و منبع نظری آن‌ها می‌پردازیم:

#### ۱- صداقت

اگر بین گفتار با عملکرد تطابق وجود نداشته باشد و یا اهداف غیر انسانی مد نظر باشد و یا برای رسیدن به اهداف انسانی از ابزارهای ناسالم استفاده شود، اصل «صداقت سیاسی» مخدوش خواهد شد. رعایت نکردن هنجار صداقت باعث مبهم شدن فضای ارتباطی و فقدان اعتماد متقابل و افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی در برقراری روابط اجتماعی می‌شود (Stroth, ۲۰۰۷).

صفات ایجابی برای اصل صداقت، وفای به عهد، درستکاری، وفاداری، راستگویی، بهره‌گیری از قدرت در راه حق، صراحت و شفافیت در بیان، پایبندی به تعهد و وعده‌های داده شده است.

ریشه‌های فلسفی اصل صداقت را می‌توان به صورت ایجابی در نظریه‌های اخلاقی وظیفه‌گرا، فضیلت‌گرا و به صورت سلبی در نظریه اخلاق سیاسی ماکیاولی جستجو کرد. وظیفه‌گرایان بر شاخصه‌های صداقت مانند مطلق بودن خطا و مقید نکردنش به شرایط، دوری ورزیدن انسان از کار ناصواب در هر شرایطی، پرهیز از مقابله با ظالم از راه‌های ظالمانه، وفا به عهد، و خودداری از نقض پیمان اصرار دارند (۹۶-۸۴، plato, ۱۹۶۹). دیدگاه اخلاق سودمندگرا نیز بر رعایت هنجار صداقت به علت نفع همگانی برای جامعه تأکید فراوان دارد (Wallce, ۲۰۰۵). در فلسفه سیاسی اسلام نیز بر اصل صداقت بسیار تأکید شده است. در مثنی سیاسی امام علی (ع) در عرصه سیاست داخلی و خارجی توسل به دروغ و فریبکاری عملی ناپسند شمرده می‌شود و هیچ مصلحتی بالاتر از حق و عدالت نیست. در فلسفه سیاسی امام خمینی، سیاستی که با دروغ‌گویی، حيله و تزویر و چپاول و تسلط بر اموال و نفوس مردم همراه باشد، شیطانی است و هیچ ربطی به سیاست اسلامی ندارد (خمینی، ۱۳۷۹، ۴۳۱).

شاخص‌های اصل صداقت اخلاقی را به صورت سلبی می‌توان در رویارویی با رویکرد ماکیاولی استخراج نمود. در اندیشه ماکیاولی از پیشروان پیوند اخلاق منفی با سیاست، در دنیای سیاست تنها باید به شعار اخلاق اكتفا کرد و از آن به عنوان ابزار فریب در عمل، هر کاری را مباح دانست (هرویتز، ۲۰۱۱). ماکیاولی در نقد آرمانشهر حکیمان یونانی، معتقد است چارچوبی که در آن اخلاقیات امکان‌پذیر است با بی‌اخلاقی ایجاد می‌شود (اشتراوس، ۱۳۷۳، ۵۱-۴۹). او با دعوت به پذیرش شر، «اقتصاد خشونت» را طرح می‌کند (ماکیاولی، ۱۳۶۶، ۳۶۱). ماکیاولی با بیان این نکته که «کردار خوب همان اندازه بیزاری‌انگیز خواهد بود که کردار بد»، به صراحت اعلام می‌دارد که شر به طور بالقوه خوب یا بد نیست (ماکیاولی، ۱۳۶۶، ۳۰۱).



ماکیاولی معتقد است هیچ لزومی ندارد پادشاه، تمام صفات پسندیده را دارا باشد، ولی لازم است چنین جلوه دهد که دارای این صفات است. او از اخلاق کلاسیک و نظریه سیاسی به دلیل بی‌توجهی به ساختار واقعیت سیاسی انتقاد می‌کند. او به همه شهریان توصیه می‌کند که عقلانی نیست که همیشه اخلاقی عمل کنیم، چراکه «شکاف میان زندگی واقعی و زندگی آرمانی چندان است که هرگاه کسی واقعیت را به آرمان بفروشد، به جای پایستن خویش راه نابودی را در پیش می‌گیرد. به همین سبب شهیار باید شیوه‌های ناپرهیزگاری را بیاموزد و بداند که چه زمانی باید از آن استفاده کند» (ماکیاولی، ۱۳۶۶، ۳۱۱). از دیدگاه ماکیاولی «سیاست اخلاقی وجود ندارد، بلکه اخلاق متعلق به سیاست وجود دارد.» از دیدگاه او موضوع سیاست تحقق یک هدف اخلاقی نیست، بلکه غایت سیاست تأمین صلح و آشتی در داخل مملکت و امنیت مرزهای یک دولت است و برای نیل به این اهداف اگر لازم باشد، می‌توان الزامات اخلاقی «شخصی» را هم زیر پا گذاشت (بالین‌پرست، ۱۳۹۸، ۱۰۱).

جدول (۲) کدهای مؤلفه صداقت

صفات اخلاقی سلبی	صفات اخلاقی ایجابی
پیمان‌شکنی	التزام به پیمان
فریبکاری	درستکاری
خیانت‌کاری	وفاداری
دروغ‌گویی	راستگویی
نگاه‌ابزاری به قدرت	بهره‌گیری از قدرت در راه حق
ابهام در بیان	صراحت در بیان
تزویر و ریاکاری	تطابق ظاهر و باطن گفتار

## ۲- مردم‌سالاری

مؤلفه مردم‌سالاری با نقد و کنترل قدرت گره خورده است. این مؤلفه با آن دسته از صفات اخلاقی در ارتباط تنگاتنگ است که به محدودشدن و کنترل قدرت و نظارت عامه مردم کمک می‌کند. صفات اخلاقی شاخص مردم‌سالاری به پایبندی به قواعد رقابت سالم، رعایت حقوق اکثریت و اقلیت، مدارا کردن با مردم (مردم‌داری)، ارزش‌دادن به خواست و نظر مردم (اصل توسعه مشارکت سیاسی)، توجه به خرد جمعی، احترام به آزادی‌های مشروع پذیرش مردم به عنوان صاحبان حق، اعتقاد به توزیع و گردش قدرت مربوط می‌شود.

ریشه‌های نظری مردم‌سالاری را در اندیشه‌های فلسفی و سیاسی به ویژه در مفهوم حکمرانی خوب می‌توان جستجو کرد. حکمرانی خوب ناظر بر اعمال قدرت و حاکمیت بر مبنای ویژگی‌های مهمی، همچون حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌ها، مسئولیت‌پذیری، نظارت قاعده‌مند و مستمر، نظارت‌پذیری، عدم

تبعیض، فسادستیزی و اخلاق مدنی است. در جهان امروز که آکنده از پیچیدگی‌های روزافزون، رشد و گوناگونی فزاینده نیروهای اجتماعی و تشکلات مدنی و رشد شتابان آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی است، حکمرانی دیگر نمی‌تواند صرفاً مقوله‌ای مرتبط با حکومت و دولتمردان تلقی شود، بلکه بایستی مقوله‌ای ناظر به تعامل دوسویه حکومت و نهادهای مدنی و مردم تلقی شود. در این راستا تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب مستلزم تلقی از سیاست و حکمرانی نه به مثابه امر سیاسی و حکومتی صرف، بلکه به مثابه امر اجتماعی - سیاسی و سیستمی و ارتباط دوسویه است که مهم‌ترین الزامات در ارتباط با این نحوه نگرش عبارتند از: گسترش همکاری مردم و نهادهای مدنی با حکومت، تعامل معطوف به ایجاد انگیزش‌های مثبت برای همزیستی مسالمت‌آمیز مدنی و نقد منصفانه، گسترش و نهادمندسازی اخلاق و فضایل مدنی، انتقادپذیری، نظارت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی متقابل در حکومت، نخبگان حکومتی و نهادهای مدنی، رقابت قاعده‌مند در چارچوب سازوکارهای دموکراتیک و اخلاق مدنی و تعهد کنشگران حکومتی و مدنی به مصالح جمعی، وحدت، انسجام ملی و اقتدار ملی (Johnson & Minis, ۲۰۰۲).

در نظام سیاسی جمهوری اسلامی مردم‌سالاری در ترکیب با دین، مردم‌سالاری دینی لقب گرفته است. در اندیشه سیاسی امام خمینی، مردم و جامعه بر دولت اسلامی تقدم دارند. به نظر او مردم دارای چنان رشد سیاسی و دینی هستند که قدرت تشخیص، انتخاب و اصلاح را دارند (فیرحی، ۱۳۸۹، ۳۱۴). بر اساس این رویکرد حکومت در کنار اسلامی‌بودن، باید جمهوریت و مشارکت مردم در جامعه را پذیرا باشد و به شهروندان برای بهره‌مندی از آزادی‌های مشروع و قانونی فرصت بدهد (کیخا، ۱۳۸۶، ۱۸۰).

جدول (۳) کدهای مؤلفه مردم‌سالاری

صفات اخلاقی سلبی	صفات اخلاقی ایجابی
رقابت‌های تعارض‌زا	پایبندی به قواعد رقابت سالم
تبعیض و تضییع حقوق اقلیت و اکثریت	رعایت حقوق اکثریت و اقلیت
مردم‌ستیزی	مردم‌داری
رعیت‌پنداری مردم و دیکتاتوری	ارزش‌دادن به خواست و نظر مردم
خودرایی و استبداد مطلقه	توجه به خرد جمعی
انحصارطلبی	اعتقاد به توزیع و گردش قدرت

### ۳- دینداری

دینداری، التزام فرد به دین مورد قبول خویش در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی است که پیرامون خداوند و رابطه ایمانی با او، سامان می‌پذیرد (طالبان، ۱۳۸۰، ۴۹-۵۰) و بر دو بعد اصلی خدامحوری

و معادمحوری استوار است. بر این اساس صفات آخرت‌گرایی یا معادباوری، تقوا و خدامحوری، زندگی ساده و مکفی و اهل خطربودن شاخص مؤلفه دینداری‌اند، در صورتی که صفات دنیاگرایی، گناهکاری، تجمل‌گرایی و راحت‌طلبی در تضاد با دینداری هستند.

رابطه بین دینداری و اخلاق در نظریه‌های مختلف بازتاب یافته است. مارکس دین را مانعی مهم در تحقق سعادت بشری و تکامل اخلاقی او تلقی می‌کرد، اما در سویی متفاوت ماکس وبر با نظریه اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری معتقد بود دین می‌تواند به عنوان بستری برای فعالیت‌های بشری اخلاقی پایه‌گذاری کند که به شکل‌گیری نظام‌های سیاسی و اقتصادی پیشرو کمک کند. او علت اصلی رشد و پیشرفت غرب را وجود اخلاق پروتستان مبنی بر روحیه تلاش و سختکوشی و روحیه سرمایه‌داری می‌داند (وبر، ۱۳۷۱). اخلاق سیاسی پروتستانی مستخرج از نظریه وبر با چهار شاخص دنیاگرایی، عقل‌گرایی، فردگرایی و سودگرایی مشخص می‌شود. در فلسفه سیاسی اسلام نیز سیاست دین‌مدار است. از نظر ملاصدرا، سیاست نمی‌تواند در جهت رشد و تعالی و هدایت انسان باشد، مگر اینکه شریعت‌محور باشد (لک‌زایی، ۱۳۸۱، ۶۳). از دیدگاه جوادی آملی انسان از هر جهت و همواره نه تنها در مسائل اجتماعی، بلکه حتی در معاد به نبی و هادی نیاز دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷). اندیشه سیاسی هدایت‌محور امام‌خمینی (ره)، متأثر از آرای ملاصدرا، با فعل اخلاقی تکلیف‌مدار و شریعت‌بنیاد در یک جهت است (لک‌زایی، ۱۳۸۱، ۶۳).

جدول (۴) کدهای مؤلفه دینداری

صفات اخلاقی سلبی	صفات اخلاقی ایجابی
دنیاگرایی	آخرت‌گرایی یا معادباوری
گناهکاری	تقوا و خداترسی (خدامحوری)
تجمل‌گرایی	زندگی ساده و مکفی
راحت‌طلبی	اهل خطربودن

#### ۴- قانون‌گرایی و پاسخگویی

قانون را می‌توان به منزله قاعده‌ای از کردار آدمی تعریف کرد که قسمت اعظم اعضای یک جامعه سیاسی معین آن را برای همه اعضای آن جامعه الزام‌آور می‌شناسند (گولد و کولب، ۱۳۸۴، ۶۴۵). پاسخگویی یا مسئولیت<sup>۱۳</sup> اشاره دارد بر پاسخگوبودن در برابر انجام شغلی، مأموریتی و وظیفه‌ای. پاسخگوبودن بر حساب پس‌دادن، توانایی تصمیم‌گیری ملازم با نقش یا مقامی عمومی که دارنده آن احساس می‌کند که شایسته آن است یا از او انتظار می‌رود که بالاتر یا ورای اقتدار رسمی و قانونی خود، آن را به انجام رساند و قاعده یا سنجه حرفه‌ای برای اجرا و وفاداری به منبع قدرت که ایجاب می‌کند ساختار قدرت رسمی در خدمت آن باشد و متصدیان از آن اطاعت کنند (گولد و کولب، ۱۳۸۴، ۷۷۵).

بیشتر مکاتب اخلاقی از جمله نحله وظیفه‌گرایی بر قانون‌گرایی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری به عنوان عنصری مهمی تأکید دارند، از جمله سقراط بر لزوم احترام به قانون تأکید داشت (Plato, ۱۹۶۹, ۸۴-۹۶) و کانت نیز نظریه خود را ذیل قانون‌باوری اخلاقی تعریف می‌کرد (واعظی، ۱۳۸۸، ۱۸۱). به اعتقاد ماکس وبر مسئولیت به عنوان متمایزترین ویژگی اخلاق در سیاست است و رهبران سیاسی باید نه تنها مسئولیت تصمیمات خود، بلکه همچنین مسئولیت عواقب آن‌ها را نیز بپذیرند (Girardin, ۲۰۱۲, ۵۱).

قانون‌گرایی و پاسخگویی به پایبندی و احترام به قوانین و مقررات در همه شرایط، مسئولیت‌پذیری متناسب با توان، پاسخگویی سلسله مراتبی (مراجع بالا) و پاسخگوبودن به مردم در قبال اعمال و رفتار خود محقق می‌شود. بعد دیگر پاسخگویی تعهد به نقش‌های اجتماعی است. «نقش» به عنوان میانجی «جامعه» و «فرد» به کاربرد مؤثر حقوق و تکالیف مربوط می‌شود (کوزر، ۱۳۸۷، ۲۹۳). افراد جامعه نقش‌های مختلفی و چندگانه‌ای در جامعه بر عهده دارند و از نظر اخلاقی موظف هستند آن‌ها را به نحو شایسته انجام دهند.

#### جدول (۵) کدهای مؤلفه قانون‌گرایی و پاسخگویی

صفات اخلاقی سلبی	صفات اخلاقی ایجابی
تبعیت‌گزینی از قانون	پایبندی و احترام به قوانین و مقررات در همه شرایط
پذیرش بی‌محابای مسئولیت	مسئولیت‌پذیری متناسب با توان
تمرد از پاسخگویی به مراجع بالا	پاسخگویی سلسله مراتبی
عدم پذیرش مسئولیت در قبال مردم	پاسخگوبودن به مردم در قبال اعمال و رفتار خود
توجیه و فرافکنی	پاسخگویی منطقی با برهان و استدلال
قصور و اهمال در وظایف	وظیفه‌شناسی

#### ۵- مدارا و انتقادپذیری

رعایت اخلاق سیاسی در تعاملات دوطرفه قدرت، مبتنی بر رعایت مدارا با منتقدین و پذیرش انتقاد از سوی آن‌هاست. مفهوم مدارا در تاریخ اندیشه غرب نخست در زمینه مذهب به وجود آمد، چراکه هیچ یک از فرقه‌های متعصب احتمال تعدد عقاید حقانی را نمی‌پذیرفت و در عین حال هیچ یک به اندازه کافی نیرومند نبود تا عقاید و فرقه‌های مخالف را سرکوب کند. برای پایان‌دادن به این وضعیت دشمنانه و برقراری صلح و آرامش، لزوم توجه به مدارا با اعمال و عقاید مخالف در محور اندیشه متفکران قرار گرفت (آریلاستر، ۱۳۷۷، ۱۶۸-۱۶۹).

تساهل و تسامح به معنای عدم مداخله و ممانعت یا اجازه‌دادن از روی قصد و آگاهی، نسبت به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و پسند شخص نباشد. واژه فرنگی تلورانس بیشتر به عنوان ویژگی روش سیاسی حکومت

به کار می‌رود تا شیوه‌ای اخلاقی یا دینی، در حالی که تساهل و مدارا در ادبیات فارسی بیشتر مفهومی اخلاقی - اجتماعی است (بشیری، ۱۳۷۷، ۳۳).

تحمل و مدارا همیشه الزاماً با دوستی و محبت همراه نیست و مراتبی از کثرت و اختلاف را نیز دربر گرفته است. تحمل و مدارا به معنی موافقت با دیگران یا بی‌تفاوت ماندن در رویارویی با بی‌عدالتی نیست، بلکه احترام گذاشتن به انسانیت هر انسان است. تحمل و مدارا به معنی توجه به دیگران، ارزشمند شمردن تفاوت‌ها، پل زدن بر شکاف‌های فرهنگی، کشف زمینه‌های مشترک و ایجاد متحدان جدید است. تحمل و مدارا ارج نهادن به تنوع و توانایی اجازه دادن به دیگران برای زندگی و توانایی اعمال نگرش عینی و منصفانه بر عقاید، اعمال، مذهب، ملیت و همه موارد متفاوت از دیدگاه فرد است (نصر اصفهانی، ۱۳۸۸، ۴).

مؤلفه مدارا و بردباری با شاخص‌های بردباری و مدارا با منتقدان و مخالفان، انتقادپذیری، شهامت در پذیرش اشتباه، صبوری و سعه صدر در واکنش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، انعطاف‌پذیری منطقی متجلی می‌شود.

جدول (۶) کدهای مؤلفه مدارا و انتقادپذیری

صفات اخلاقی سلبی	صفات اخلاقی ایجابی
سخت‌گیری و خشونت	مدارا با منتقدان و مخالفان
عدم تحمل انتقاد	انتقادپذیری
پافشاری و توجیه خطا	شهامت در پذیرش اشتباه
شتابزدگی	صبوری و سعه صدر در واکنش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها
لجاجت و سرسختی بی‌جا	انعطاف‌پذیری منطقی

## ۶- عدالت‌محوری

واژه عدالت<sup>۱۴</sup> بیشتر به دو مفهوم به کار برده شده است: حق هر انسان را به او دادن و تلافی خطا، خواه از طریق جبران زیان کسی که قربانی خطای دیگری شده است و خواه از راه مجازات خطاکنده (گولد و کولب، ۱۳۸۴، ۵۸۰). افلاطون در کتاب جمهور، عدالت را یکی از چهار فضیلت اصلی تلقی می‌کند. از نظر ارسطو عدالت در رأس فضایل و به معنایی خاص، فضیلت کامل است، چون عدل‌ورزیدن، مستلزم به کاربردن همه فضایل است. عدالت، از این جهت نیز فضیلت کامل است که آدمی را نه تنها در خویشتن، بلکه در ارتباطش با دیگران تحقق می‌تواند بخشید (ارسطو، ۱۳۷۸، ۱۶۸). مکتب فضیلت‌گرای فرانکفورت، نیز اخلاقی‌بودن را به تحقق جامعه عادلانه و آزادانه منوط می‌کند (کوسه و آبه، ۱۳۸۹، ۱۶). در فلسفه سیاسی اسلام نیز حکومت فی‌نفسه ارزش ندارد، بلکه در واقع وسیله‌ای است برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۵۵؛ ۱۳۸۵، ۱۶۲). در این محیط اخلاقی، زندگی اخلاقی هر انسان و جامعه‌ای لزوماً بر زندگی اخلاقی

دیگران و اعتماد متقابل بر امانت و ترک خیانت استوار است. به طور کلی امام با توجه به تفسیری الهیاتی که از فطرت، اخلاق و حقوق انسانی دارد، جامعه اخلاقی و فاضله را جامعه‌ای فارغ از جنگ و تهاجم تلقی کرده و قوه غضبیه را صرفاً ابزار دفاع می‌بیند، نه هجوم به دیگران (فیرحی، ۱۳۸۹، ۳۵۳).

در مجموع مؤلفه عدالت‌محوری به تعهد و باور فرد به تساوی افراد در برابر قانون و تعهد او به مقابله به ایستادگی در برابر ظلم و تعدی به حقوق دیگران مربوط می‌شود. افراد با اخلاق عدالت‌محوری از تبعیض‌جویی و رانت‌خواری و ستمگری و بی‌اعتنایی به ظلم پرهیز می‌کنند.

جدول (۷) کدهای مؤلفه عدالت‌محوری

صفات اخلاقی سلبی	صفات اخلاقی ایجابی
تبعیض‌جویی و رانت‌خواری	اصل عدالت‌خواهی
ستمگری و بی‌اعتنایی به ظلم	ظلم‌ستیزی
عدم همکاری با نیکوکاران و معاونت ظالمان	تولی و تبری

#### ۷- رازداری

رازداری<sup>۱۶</sup> مجموعه از مقررات توافق‌شده یا پیمان‌نامه‌هایی است که دسترسی به بعضی اطلاعات شخصی یا تجاری را محدود می‌کند. رازداری، فضیلتی اخلاقی است که به حفظ اسرار و رازهای مگوی دیگران در نزد افراد دیگر اطلاق می‌شود. مفهوم رازداری (سرّ و مشتقات آن) مجموعاً ۳۳ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. این مؤلفه عنصری مهم در اخلاق سیاسی است. عدم رازداری در زندگی فردی و اجتماعی آثار مخرب زیادی دارد. مؤلفه رازداری با شاخص‌های مکتوم داشتن اطلاعات مهم و حیاتی (حفظ اسرار نظام)، رعایت حریم خصوصی افراد و سوءاستفاده نکردن از اطلاعات برای پیشبرد منافع جناحی مشخص می‌شود.

بر اساس دستورات دینی، انسان مکلف است رازدار باشد، مگر آنکه این رازداری با اصل ظلم‌ستیزی در تعارض باشد (نساء، ۱۴۸<sup>۱۷</sup>). از دیدگاه برخی از مفسران، کتمان شهادت در اینچنین مواردی به خود و دیگران ستم کردن است (عاملی، ۱۳۶۰، ۱۹۹۲). در نتیجه اگر هدف قلع و قمع ریشه‌های فساد باشد نباید رازداری نمود (انصاری، ۱۴۲۲، ۲۹۱). در حوزه اخلاق سیاسی اسلام بر حفظ اسرار اجتماعی، اسرار عقیدتی و نظامی و حکومتی تأکید شده است.

جدول (۸) کدهای مؤلفه رازداری

صفات اخلاقی سلبی	صفات اخلاقی ایجابی
سستی و اهمال در حفظ اطلاعات	مکتوم‌داشتن اطلاعات مهم و حیاتی (حفظ اسرار نظام)
سوءاستفاده از اسرار خصوصی افراد	رعایت حریم خصوصی افراد

سوءاستفاده نکردن از اطلاعات برای پیشبرد منافع جناحی	سوءاستفاده نکردن از اطلاعات برای پیشبرد منافع جناحی
--	--

#### ۸- تعهد به حقوق بشر

از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق سیاسی تعهد به حقوق بشر است که ریشه در رابطه دیالکتیکی اخلاق و حقوق دارد. قلمرو واقعی اخلاق، وجدان فردی است، در حالی که مقررات حقوق دارای خصلت جمعی می‌باشند و همان اندازه که به فرد نظر دوخته‌اند به گروه اجتماعی نیز می‌نگرند (لوی‌برول، ۱۳۸۴، ۵۰). اخلاق همانند ذخیره‌ای تمام‌نشدنی است که حقوق از آن تغذیه می‌کند. با این همه تعهدات حقوقی، هرچه تلطیف شوند، ضمانت اجرای خود را از کف می‌دهند و بیشتر همانند با وجدان اخلاقی عمل می‌کنند.

در تعارض‌های موجود روابط تنگاتنگی میان اخلاق و حقوق، قاعده اخلاقی باید تابع قاعده حقوقی باشد، چون قاعده حقوقی بیانگر عقیده گروه اجتماعی است نه فردی. با این همه انتقادکردن از قانون و مبارزه علیه آن و کوشش برای الغای آن قطعاً مجاز است، اما تا زمانی که لغو آن تحقق نیافته است، اطاعت از آن واجب است (لوی‌برول، ۱۳۸۴، ۵۱).

دانش حقوق، آموزه‌هایی را در زمینه‌های مختلف مشخص می‌کند که اخلاق سیاسی از آن‌ها می‌تواند بهره بگیرد. به ویژه حقوق بشر به عنوان اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری، به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. حقوق بشر<sup>۱۸</sup>، نسبتاً جدید است و فقط پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد محاورات روزمره شده است. این عبارت جایگزین اصطلاح «حقوق طبیعی» و «حقوق انسان» گردیده که قدمتی بیشتر دارند.

مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی را دارا هستند که می‌توان به مواردی همچون جهان‌شمولی، غیر قابل سلب بودن، تبعیض‌ناپذیری و برابری و نیز انتقال‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، برابری طلبی و به هم پیوستگی و درهم‌تنیدگی اشاره کرد. از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ کس را نمی‌توان از این حقوق محروم کرد، ضمن اینکه همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت، مذهب، گرایش جنسی، رنگ، زبان و... در برخورداری از این حقوق با هم برابرند و هیچ‌گونه تمایز، ارجحیت، محدودیت و محرومیت در بهره‌مندی از این حقوق ندارند و این حقوق قابل نقض نیستند. این حقوق شامل حقوق طبیعی یا حقوق قانونی که در قوانین ملی و بین‌المللی موجودند، می‌شود.

شاخص‌های این مؤلفه شامل پاسداشت کرامت و حقوق انسان‌ها، احترام به حقوق اقلیت‌ها، احترام به حق آزادی بیان، احترام به حق زندگی، تعهد به منع شکنجه، تعهد به منع برده‌داری، تعهد به حق برخورداری از یک محاکمه منصفانه و تعهد به حقوق نسل‌های آینده می‌باشد.

#### جدول (۹) کدهای مؤلفه تعهد به حقوق بشر

صفات اخلاقی سلبی	صفات اخلاقی ایجابی
تضییع حقوق اقلیت‌ها	احترام به حقوق اقلیت‌ها
سلب آزادی بیان	احترام به حق آزادی بیان
شکنجه	تعهد به منع شکنجه
برده‌داری	تعهد به منع برده‌داری
مجازات بدون محاکمه	تعهد به حق برخورداری از یک محاکمه منصفانه
غفلت از حقوق نسل‌های آینده	تعهد به حقوق نسل‌های آینده
تبعیض و تمسخر تفاوت‌ها	احترام به تفاوت‌ها
نقض حقوق شهروندی	رعایت حقوق شهروندی

#### ۹- اخلاق سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی

هرچند مکاتب قدیمی اخلاقی بیشتر به بعد فردی و اجتماعی پرداخته‌اند، اما شالوده و ساختار نظری آن‌ها نه تنها مانعی بر اساس نظریه‌پردازی اخلاقی سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیست، بلکه مقوم و غنابخش آن‌ها نیز تلقی می‌گردد. تفاوت اخلاق در جامعه ملی با نظام بین‌المللی در این است که در جامعه ملی، افراد مصدر رفتارهای اخلاقی هستند و محیط عملیاتی آن‌ها به مرزهای ملی محدود است، در حالی که اخلاق بین‌المللی تابع مصلحت‌های بین‌المللی است. در نظام بین‌الملل دولت‌ها در قالب نهادها و سازمان‌ها، به صورت رسمی و غیر رسمی منشأ رفتارهای اخلاقی‌اند و محیط عملیاتی آن‌ها، محیط بین‌المللی است که از قواعد و مقررات و هنجارهای الزام‌آور و لازم‌الاجرای کشوری برخوردار نمی‌باشد. رعایت اخلاق بین‌المللی<sup>۱۹</sup> یا فراملی هم برای جامعه جهانی و هم برای جامعه خود امنیت و آرامش به همراه خواهد آورد (واتسلاف، ۱۳۷۴، ۲۰-۲۷). لازمه اخلاق سیاسی بین‌المللی تعهد و پایبندی به قوانین بین‌المللی، حقوق بشر و معاهدات بین‌المللی و همکاری با کشورهای دیگر در زمینه مسائل جهانی، از جمله جلوگیری از جنگ‌ها، برقراری صلح، بهبود وضعیت کشورها به ویژه در بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی است.

#### جدول (۱۰) کدهای مؤلفه اخلاق سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی

صفات اخلاقی سلبی	صفات اخلاقی ایجابی
جنگ طلبی	صلح‌دوستی
عدم پایبندی به تعهدات جهانی	پایبندی به تعهدات جهانی
بی‌تفاوتی به رویداد کشورهای مظلوم	دفاع از کشورها و ملت‌های مظلوم
بی‌اعتنایی به بحران‌های دیگر کشورها	کمک به حل بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی جهان



## نتیجه‌گیری

جامعه مدرن در نوعی بلا تکلیفی اخلاقی به ویژه در عرصه سیاست عملی به سر می‌برد. این بلا تکلیفی، حتی در عرصه اندیشه‌ورزی نیز قابل مشاهده است. بر این مبنا برای در امان ماندن از اثرات منفی ارزش‌های ناهمگون و سمت‌گیری‌های تنگ‌نظرانه فردی و دفاع از هنجارها، اصول و ارزش‌های والای اخلاقی، انسانی و اجتماعی، رهایی از ریاکاری و فرصت‌طلبی لازم است بازیابی ارزش‌ها و احیای اخلاق در درون فرد فرد اعضای جامعه را مد نظر قرار دهیم (دوورژه، ۱۳۷۹، ۲۱). یکی از شیوه‌های احیای ارزش‌های اخلاقی معرفی کدهای اخلاق سیاسی است. در این پژوهش به اهمیت تبیین این کدها و شاخص‌های مربوطه آن در سه سطح فردی، اجتماعی و بین‌المللی پرداخته شد. مؤلفه‌های نهایی اخلاق سیاسی در این پژوهش شامل صداقت، مردم‌سالاری، دینداری، قانون‌گرایی و پاسخگویی، مدارا و انتقادپذیری، عدالت‌محوری، رازداری، تعهد به حقوق بشر، و اخلاق سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی است.

به احتمال آسیب‌شناسی دنیای سیاست به خوبی نشان خواهد داد عدم معرفی و جامعه‌پذیری کدهای اخلاقی در این میان نقشی کلیدی داشته است. برخوردهای قهری و جرم‌شناختی با جرائم سیاسی باید گام آخر سیاست‌گذاری‌های این حوزه باشد و گام اساسی و اولیه می‌تواند کنترل درونی قوی با ترویج ارزش‌هایی باشد که اخلاق سیاسی فضیلت‌محور و تکلیف‌مدار را در جامعه تقویت می‌کند. معرفی کدهای اخلاق سیاسی گامی مهم در این هدف پایه‌ای است. با این همه آنچه در این پژوهش به عنوان کدهای اخلاق سیاسی معرفی شده است، همچنان در بوته نقد قرار خواهد داشت تا با غنای آن راه پیموده‌شده به مقصد رسد.

## پی‌نوشت

۱. امام علی (ع) می‌فرماید: النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ.

۲. Ethical Code
۳. Being-Well
۴. Maxim
۵. Character of the Moral Agent
۶. Arete
۷. Phronesis
۸. Eudaimonia
۹. Individual Ethics
۱۰. Social Ethics
۱۱. Consequentialism Ethics

## ۱۲. Content Analysis

## ۱۳. Responsibility

## ۱۴. Justice

## ۱۵. Cooperation

## ۱۶. Confidentiality

۱۷. خدا دوست ندارد که کسی به عیب خلق صدا بلند کند، مگر آنکه به او ستمی رسیده باشد. خداوند سخنان را می‌شنود و از نیت آگاه است.

## ۱۸. Human Rights

## ۱۹. International Ethics

## کتابنامه

- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰). مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اترک، حسین و خوشدل روحانی، مریم (۱۳۹۳). «نقد و ارزیابی نظریه اعتدال در اخلاق»، آینه معرفت بهار، ۱۴ (۳۸)، ۱۵۳-۱۲۳.
- آربلاستر، آنتونی (۱۳۷۷). ظهور و سقوط لیبرالیسم، مترجم: عباس مخبر، تهران: مرکز.
- ارسطو (۱۳۷۸). اخلاق نیکوماخوس، مترجم: محسن لطفی، تهران: طرح نو.
- اشتراوس، لئو (۱۳۷۳). فلسفه سیاسی چیست؟ مترجم: فرهنگ رجایی، تهران: علمی و فرهنگی.
- افلاطون (۱۳۸۴). جمهور، مترجم: فواد روحانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- انصاری، محمدعلی (۱۴۲۲ ق.). الموسوعة الفقهية الميسرة، ج ۴، الطبعة الأولى. قم: مجمع الفكر الإسلامی.
- بالین‌پرست، نسترن و فتح‌زاده، حسن (۱۳۹۸). «اخلاق در سیاست، پیامد معرفت‌شناسی مدرن»، پژوهش‌های فلسفی، ۲۹، ۸۹-۱۰۸.
- بشیری، حسین (۱۳۸۰). آموزش دانش سیاسی، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- بشیری، حسین (۱۳۷۷). پیش‌درآمدی بر تاریخ اندیشه تساهل سیاسی، مجموعه مقالات تسامح، آری یا نه، قم: نشر خرم.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۴). بررسی نقد و افکار راسل، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). سیاست متعالیه، سیاستی جامع، سیاست متعالیه از نظر حکمت متعالیه، دفتر اول، نشست‌ها و گفتگوها، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۳۶۷). وسایل الشیعه الی تحصیل المسائل الشرعیه، قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (ع).
- خراسانی، رضا (۱۳۸۳). اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلامی، قم: بوستان کتاب، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام خمینی (ره)، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).  
 خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ یازدهم.

دباغ، سروش (۱۳۸۸). درس گفتارهایی در فلسفه اخلاق، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.  
 دو فوشه‌کور، شارل‌هانری (۱۳۷۷). اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری، مترجمان: محمدعلی امیرمعزی، عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.

دوورژه، موریس (۱۳۷۹). اصول علم سیاست، مترجم: ابوالفضل قاضی، تهران: قومس.  
 راسل، برتراند (۱۳۵۵). اخلاق و سیاست در جامعه، مترجم: محمود حیدریان، تهران: بابک.  
 رنجبر، مقصود (۱۳۸۱). اخلاق سیاسی (چشم‌انداز امام علی (ع))، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.  
 طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰). دینداری و بزه‌کاری در میان جوانان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۱۹). کتاب احمد، استامبول: انتشارات گام.  
 عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). تفسیر عاملی، ج ۱، تهران: انتشارات صدوق.  
 فارابی، ابونصر (۱۳۶۴). احصاء العلوم، مترجم: حسین خدیو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.  
 فاستر، مایکل (۱۳۷۶). خداوندان اندیشه سیاسی، مترجم: جواد شیخ‌الاسلامی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.  
 فیرحی، داود (۱۳۸۹). دین و دولت در عصر مدرن، تهران: رخداد نو.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۵۸). علم‌الیقین، تعلیق محسن بیدارفر، تهران: چاپ سنگی.  
 کوسه، ایو و آبه، استفن (۱۳۸۹). واژگان مکتب فرانکفورت، مترجم: افشین جهان‌دیده، چاپ دوم، تهران: نی.  
 کاظمی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۷۶). اخلاق و سیاست: اندیشه سیاسی در عرصه عمل، تهران: قومس.  
 کندی، جان اف (۱۳۴۰). سیمای شجاعان، مترجم: ابراهیم خواجه‌نوری، تهران: انتشارات پیروزی.  
 کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۷). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، مترجم: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.  
 کیخا، نجمه (۱۳۸۶). مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

لک‌زایی، نجف (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی صدرالمآلهین، قم: بوستان کتاب.  
 لوی، برول (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی حقوق، مترجم: ابولفضل قاضی شریعت‌پناه، تهران: انتشارات میزان.  
 ماکیاوولی، نیکولو (۱۳۶۶). شهریار، مترجم: داریوش آشوری، تهران: انتشارات پرواز کتاب.  
 مسعودی، جهانگیر و ساداتی‌زاده، سیدسجاد (۱۳۹۴). «رابطه اخلاق و سیاست»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۰(۳)، ۲۸-۱۹.

مسکویه رازی، ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب (۱۳۸۱). تهذیب الخالق و تطهیر العراق، اصفهان: انتشارات مهدوی، بیتا.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). فلسفه اخلاق: مشکلات، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی).

مک ایتنایر، السدر (۱۳۷۹). تاریخچه فلسفه اخلاق، مترجم: انشاءالله رحمتی، تهران: حکمت.

هولمز، رابرت (۱۳۸۵). مبانی فلسفه اخلاق، مترجم: مسعود علیا، ویراست سوم، چاپ سوم، تهران: ققنوس.

واتسلاف، هاول (۱۳۷۴). یادداشت‌هایی در باب اخلاق، سیاست، تمدن در دوران تحول، مترجم: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

واعظی، احمد (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

وبر، ماکس (۱۳۷۱). اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، مترجم: عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.

وحیدی‌منش، حمزه‌علی (۱۳۸۷). «نمایی کلی از سیاست اخلاقی»، مطالعات انقلاب اسلامی، ۴(۱۲)، ۷۷-۱۰۰.

Christie, T. (۲۰۰۸). "Virtue Ethics as an Alternative to Deontological and Consequential Reasoning in the Harm Reduction Debate" In: International Journal of Drug Policy, No. ۱۹.

Girardin, Benoît. (۲۰۱۲). Ethics in Politics, Geneva: Globethics.net.

Johnson, Ronald W. & Minis, Henry. (۲۰۰۰). "Approaches to Promoting Good Governance", Near East Bureau, Democratic Institution Support Project.

Krippendorff, K. (۲۰۱۲). Content analysis: An introduction to its methodology. California: SAGE Publications, Incorporated.

Plato. (۱۹۶۹). The last days of Socrates, Translated by Hugh Tredennik, Harmondsworth, Penguin Books. Penguin: Harmondsworth.

Rosenthal, EIJ. (۱۹۵۸). Political Thought in Medieval Islam. UK: Cambridge University Press.

Strauss, A, & Corbin, J. (۱۹۹۴). Grounded theory methodology: An overview. In: Denzin, N, Lincoln, Y, Handbook of Qualitative Research. Thousand oaks, CA: Sage.

Stroth, Linda K. (۲۰۰۷). Trust Rules; How to Tell the Good Guys from Work and Life, Westportm Conn: Praeger Publisher.

Tella, MJFY. (۲۰۰۸). Equity and Law, Boston: Martinus Nijhoff Publishers.

Wallce, James D. (۲۰۰۵). Virtues of Benevolence and Justice. In: Carr, David. Steytel Jan, Virtue Ethics and Moral Education, London: Taylor & Francis, ۸۵-۹۷.